

تقدیم به:

همدل همرازم، همراه همواره‌ام: همسرم

مقدمه

بشر همواره پیوندی ناگسستنی با فناوری داشته، چه از زمان استفاده از ابزارهای کار ابتدایی و چه در روزگار کنونی که بهره‌گیری از فناوریهای پیچیده و پیشرفته جزء لاینفک حیات انسانی شده است. امروزه نقش فناوری در جهت‌دهی به جوامع انسانی و بهبود سطح زندگی کتمان‌شدنی نبوده و ریشه بسیاری از تحولات در جوامع را باید در حوزه فناوری جستجو کرد. فناوریهای نو به رغم ویژگیهای مخرب آن از جمله تشدید حس زیاده‌طلبی و آرامش‌زدایی، قدرتی بی‌بدیل به انسان بخشیده و اگر استخدام آنها به نحوی نظام‌یافته، خردمندانه و مبتنی بر رهیافت‌های آرمانی باشد، قادر است بشر را در گذر از تنگناها یاری کند. در برابر، اگر فناوری به طور شتاب‌زده و ناسنجیده به کار گرفته شود، کژتابیهای گسترده‌ای را در پی خواهد داشت. از منظر اقتصادی در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی در گرو ایجاد تغییرات تکنولوژیک است. در حال حاضر که جهانی شدن روندی فزاینده دارد، بی‌شک از اساسی‌ترین ملزومات برای حفظ بقا در گردونه اقتصاد و تجارت بین‌الملل در اختیار داشتن فناوریهای ارزشمند می‌باشد.

برای دستیابی به فناوری دو طریق عمده وجود دارد: نخست تولید آن که طی آن فناوری با گذر از منزلگاه آغازین تحقیق و توسعه از مراکز دانشگاهی و پژوهشی به چرخه نظام تولید وارد می‌شود. اما این حقیقتی انکارناپذیر است که کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه به سبب آنکه فاقد توانمندی تکنولوژیک و ظرفیتهای ساختاری برای توسعه فناوری هستند، غالباً توان تولید فناوریهای نوین را نداشته و از سوی دیگر نمی‌توانند نیاز مبرم خود به فناوریهای روز را پوشیده دارند و در همین جاست که پدیده انتقال فناوری رخ می‌نماید.

انتقال فناوری سابقه‌ای دیرینه داشته و همواره به‌مثابه عامل نجات‌بخش فضای تکنولوژیک کشورهای نیازمند انگاشته شده است. انتقال فناوری موضوعی چندوجهی به شمار می‌آید که لایه‌های عمیق و ابعاد متنوعی داشته و دانش، اقتصاد، تجارت، سیاست، فرهنگ و اجتماع، مدیریت، مهندسی و البته حقوق را به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه خود می‌بیند. امروزه درستی این باور که حقوق دانش مستقلی نبوده و وابستگی نسبی به سایر علوم دارد، بیش از پیش آشکار شده

است. از بارزترین جلوه‌های عینی این دیدگاه، مقوله انتقال فناوری است که نگرش صرف حقوقی به آن بیراهه پیمودن است.

بی‌تردید رشد شتابان فناوری و تازه به تازه شدن آن به شکاف موجود میان دارندگان فناوری و متقاضیان آن دامن زده و با این روند پس از گذشت زمانی اندک، چرخه حیات فناوریهای وارداتی رو به افول گذاشته و به کارگیری آنها غیر اقتصادی می‌شود. در فضای متلاطمی که مؤلفه‌های تجارت بین‌الملل مرتباً در حال تغییرند، برای بازماندن از گردونه رقابت، دستیابی به فناوریهای نوین مبدل به راهبردی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ از این رو کشورهای خواهان فناوری می‌کوشند تا جریان انتقال فناوری را به گونه‌ای جهت دهند که به مرور از سطح وابستگی خود کاسته و به قابلیت‌های تکنولوژیک دست یابند. در این میان، به طور خاص، به قواعدی حقوقی نیازمندند تا نظام انتقال فناوری را سازمان‌دهی و همسو با مطالبات خود نمایند. در نیل به این هدف و کامیابی در آن، نقش قراردادهایی که سبب‌ساز انتقال فناوری‌اند از برجستگی ویژه‌ای برخوردارند.

حقوق انتقال فناوری که افزون بر جنبه‌های فنی دارای طبعی میان‌رشته‌ای است، با آنکه به‌عنوان مبحثی مستقل در ادبیات حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعاملات گسترده‌ای با سایر حوزه‌های حقوق دارد. این شاخه خود از فرعیات رشته وسیع حقوق فناوری قلمداد می‌شود. به همین ترتیب، مقوله انتقال فناوری به واسطه ماهیت موضوعی خود با حقوق مالکیت فکری ارتباط تنگاتنگی دارد. جایگاه قواعد حمایتی از داراییهای فکری در جهت‌دهی به فرایند انتقال فناوری انکارناپذیر است.

انتقال فناوری عمدتاً در بستر تجارت بین‌الملل جریان دارد؛ زیرا غالب دارندگان فناوری در کشورهای توسعه‌یافته مستقر بوده و متقاضیان فناوری نیز عمدتاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته‌اند و از این رو انگاره‌های کلان حقوق تجارت بین‌الملل اثرگذاری خاصی بر پدیده انتقال فناوری دارند. به‌خصوص که آغاز قرن بیست و یکم با فروپاشی مرزهای اقتصادی و درهم‌آمیزی و ادغام متزاید نظامهای ملی در اقتصاد جهانی مقارن شده و توسعه تکنولوژیک در چنین فضایی تا حدود زیادی در گرو تعامل مثبت و سازنده با نظام تجاری بین‌المللی است و بدین ترتیب حقوق تجارت بین‌الملل در قامتی نظام‌بخش، فرایند انتقال فناوری را از جنبه‌های مختلفی متأثر می‌سازد.

از منظری دیگر، انتقال فناوری پیوندی ناگسستنی با حقوق قراردادی دارد. اگرچه تشبث به روشهای غیرتجاری و تلاش برای دستیابی به فناوری بدون دخالت سازوکارهای بازار امری کم و بیش رایج محسوب می‌شود، اما ناگفته‌نوید است که شیوه‌های مزبور، روشهای کارایی برای نیل

به فناوری‌هایی که امروزه غالباً بسیار پیچیده و تحت حفاظت قانونی و مادی هستند، قلمداد نمی‌شوند. واقعیت‌های تجارت امروز ایجاب می‌کند تا در تحصیل فناوری روش‌های قراردادی را به استخدام گرفت و در حقیقت، بارزترین نمود جریان انتقال فناوری در پیکره چنین توافقاتی متبلور می‌شود. تنوع قراردادی در این عرصه، سازوکارها و فرصت‌های متفاوتی را فراروی متقاضیان فناوری می‌گذارد، اما نکته مهم آن است که نباید وزن این قراردادها را در مقوله انتقال فناوری برابر پنداشت؛ بدیهی است که این قراردادها حسب ماهیت و شرایط خاص خود، کارکردهای متفاوتی دارند که هر یک متناسب با نوع فناوری و سیاست‌های کلی، اهداف طرفین، امکانات اقتصادی و تجاری و بسترهای فرهنگی و اجتماعی به کار گرفته می‌شوند.

اهمیت ارتباط انتقال فناوری با حقوق سرمایه‌گذاری خارجی نیز امری پوشیده نیست؛ چراکه عمده فناوری‌های ارزشمند در اختیار شرکت‌های چندملیتی - به‌عنوان کارگزار اصلی انتقال فناوری - قرار دارد و جریان و حجم انتقال فناوری میان این شرکتها با بنگاه‌های تابعه خود در کشورهای نیازمند فناوری و از مجرای قراردادهای متنوع سرمایه‌گذاری چشمگیر است. کشورهای در حال توسعه با حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها مترصد واردات فناوری‌های خارجی سودمندند، بلکه به سرریز فناوری به محیط تکنولوژیک محلی نیز چشم دارند.

انتقال فناوری مناسبات وسیعی نیز با حقوق رقابت دارد. شالوده نظام تجارت بین‌الملل مبتنی بر هنجارهای رقابت آزاد است و مقوله انتقال فناوری نیز از این دیدگاه منفک نیست؛ چراکه انحراف در عرصه رقابت و اعمال رویه‌های مختل‌کننده بازار اثر ناگواری بر تحقق سیاست‌های کلان تکنولوژیک کشورهای خواهان فناوری می‌گذارد. اقدامات محدودکننده رقابت دارندگان فناوری که غالباً از مجرای قراردادها به منصف ظهور می‌رسد پای حقوق رقابت را برای ارزیابی حدود اعتبار قرارداد و تضییقات مزبور به میانه آوردگاه می‌کشاند.

اما آنچه اکنون بیش از پیش آشکار شده است، عدم کارایی شیوه‌های قراردادی موجود در انتقال واقعی فناوری با عنایت به مطالبات کشورهای در حال توسعه است که طراحی یک مدل قراردادی جدید و افکندن طرحی نو برای انتقال فناوری را ضروری می‌سازد.

در حال حاضر که انتقال فناوری به‌مثابه جزء لاینفک سیاست‌های کلان اقتصادی و توسعه‌ای کشورها با اهمیت رو به تزایدی مواجه بوده و به نوبه خود، پویایی و کارایی نظام تکنولوژیک کشورها را در ساحت پر تلاطم جهانی شدن تضمین نموده، نیل به مقاصد انتقال فناوری مستلزم روشنگری جنبه‌های پیدا و نهان آن و اتخاذ راهبردهای اصولی و منطبق بر قواعد تثبیت شده نظام تجاری بین‌المللی است. از آنجا که در موازین بین‌المللی حقوق ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی پیشرفته قواعد جامع و خاصی راجع به انتقال فناوری وجود ندارد، این کتاب

می‌کوشد تا با مطالعه منابع داخلی و خارجی و با بررسی قواعد، اسناد و گزارش‌های بین‌المللی و کنکاش در موضع حقوقی کشورهای پیشرو و رهیافتهای کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص تأمل در موازین کنونی حقوق ایران، ابعاد متنوع حقوق انتقال فناوری را از منظری تحلیلی، تطبیقی و نقادانه تبیین ساخته و راهکارهای مناسبی عرضه دارد تا از این رهگذار نیل به مطلوب‌ترین راهکارها امکان‌پذیر شود. به این ترتیب این تحقیق در حد وسع خود می‌کوشد تا با افکندن نوری بر جنبه‌های تاریک مقولات حقوق انتقال فناوری، خلأ آکادمیک در این حیطه را پر کرده و در چهارچوب حقوق ایران - به‌عنوان کشوری در حال توسعه و نیازمند فناوری - سیاست‌گذاران را به سمت اتخاذ راهبردهای کلان در عرصه انتقال فناوری رهنمون سازد. در وهله بعدی، رهنمودهایی به قانون‌گذار برای تصویب قوانین مؤثر مرتبط با حیطه انتقال فناوری، به‌مثابه نیازی انکارناپذیر، ارائه نماید و در نهایت بر آن است تا راهکارها و رهیافتهای خود را به شرکتها، نهادها و سازمانهایی که مایل به انعقاد قراردادهای ناظر به انتقال فناوری هستند، عرضه کند تا تعاملات قراردادی آنها با طرفهای خارجی مبتنی بر انگاره‌های صحیح و مطلوب شکل گیرد و به سمت تحقق مقاصد و مطالبات اساسی خود در عرصه انتقال فناوری سوق یابند. به‌خصوص امعان نظر به الگویی که تحت عنوان قرارداد انتقال فناوری در این پژوهش ترسیم می‌شود، می‌تواند در غلبه بر ابهامات و اجتمالات مؤثر افتاده و گشاینده بخشی از معضلات بفرنج در حیطه انتقال قراردادی فناوری باشد.

این کتاب در پنج بخش نگاشته شده است:

بخش نخست مشتمل بر چهار فصل بوده و به کلیات و موازین بنیادین حقوق انتقال فناوری، از شناسایی مفاهیم فناوری و انتقال آن، بررسی انتقال فناوری در بستر تجارت بین‌الملل تا تعامل حقوق انتقال فناوری و حقوق مالکیت فکری می‌پردازد و در فصل پایانی نیز به انتقال فناوری در نظام حقوقی ایران اشاره دارد.

بخش دوم به قراردادهای رایج انتقال فناوری اختصاص داده شده است. فصل اول در صدد تبیین قراردادهایی نظیر لیسانس است که به واسطه واگذاری حقوق (یا به تعبیر دیگر طریق مستقیم) سبب انتقال فناوری می‌شوند. در فصل دوم، شیوه‌های خرد قراردادی انتقال فناوری، یعنی قراردادهای خدماتی بررسی می‌شوند.

بخش سوم رابطه میان انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی را در سه فصل تشریح می‌سازد. فصل نخست جایگاه مقوله انتقال فناوری را در عرصه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بررسی کرده، فصل دوم سازوکار سرمایه‌گذاریهای مشترک را در زمینه انتقال فناوری تبیین ساخته و در نهایت فصل سوم چگونگی انتقال فناوری را از مجرای قراردادهای سرمایه‌گذاری پروژه‌محور مورد تحلیل قرار می‌دهد.

بخش چهارم به انتقال فناوری از منظر قواعد حقوق رقابت می‌پردازد. فصل نخست، نوع تعامل و پیوند موازین رقابتی را با مقوله انتقال فناوری مطالعه کرده و فصل دوم در جهت شناسایی موضع رقابتی رویه‌ها و تحدیدات در قراردادهای انتقال فناوری مطالبی را عرضه می‌سازد. بخش پنجم با عنوان قرارداد انتقال فناوری در حقیقت برآیند مذاقه در مطالب مطروحه در بخشهای پیشین است و با توجه به عدم کارایی شیوه‌های قراردادی موجود، مدلی جدید و پیشنهادی را برای انتقال قراردادی فناوری ارائه می‌کند. فصل نخست کلیات و قواعد بنیادین قرارداد انتقال فناوری را مطرح نظر قرار داده و فصل دوم آن به چهارچوب و محتوای قرارداد انتقال فناوری می‌پردازد.

در خاتمه از والدین، خواهر و برادران مهربانم تشکر می‌کنم. قدردانیم از پدر و مادر عزیزم که وجود پربرکشان همواره مایه دلگرمی بنده بوده، مضاعف است. از استاد گرانقدر آقای دکتر میرقاسم جعفرزاده که در طول تدوین این اثر، نگارنده را از خوان دانش گسترده و بینش عمیق خود بهره‌مند ساختند، تشکر می‌نمایم. همین‌طور از اساتید عالی‌مقدار آقایان دکتر عبدالرسول قدک و دکتر سید محمد فصیح که نکات ارزشمندی را برای بهبود و اصلاح مطالب تذکر دادند نیز سپاسگزارم.

از آقای دکتر باقر انصاری، مدیر محترم گروه حقوق سازمان «سمت»، که علاقه و اهتمامی ستودنی در توسعه ادبیات حیظه‌های نوین حقوق داشته و مساعدت شایانی در انتشار این پژوهش نمودند، قدردانی می‌نمایم. از سرکار خانم فلاح شجاعی، کارشناس محترم گروه حقوق «سمت»، نیز بابت زحمات بی‌دریغ و پیگیریهای مشفقانه امور انتشار کتاب ممنونم. همچنین از سرکار خانم مشایخی، که در ویراستاری متن کتاب دقت نظر فراوانی مبذول کردند، و نیز خانم ضرغامی برای بازبینی پاورقیهای لاتین و منابع سپاسگزارم.

نگارنده امیدوار است این گام کوچک در تبیین حقوق انتقال فناوری که به اتکای بضاعتی اندک برداشته شده است، توجه صاحب‌نظران و محققان را جلب نماید تا با تذکرات و نقادی عالمانه خود کاستیها و خطاها را عیان ساخته و به اصلاح این اثر خرد مساعدت فرمایند تا انجام پژوهشهای ارزشمند و کامل‌تری در آتیه میسر گردد.